**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی و هفتم\_3 دی 1397**

آیۀ دومی که به آن استشهاد و استدلال شده است برای حجیت خبر واحد، آیه نفر است در سوره مبارکه توبه آیه 122. این سوره اکثر آیاتش مربوط است به قتال و جهاد و احکامی که این وسط وجود دارد. از جمله آیه 120:

ما كانَ لِأَهْلِ الْمَدينَةِ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ لا يُصيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لا نَصَبٌ وَ لا مَخْمَصَةٌ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يَطَؤُنَ مَوْطِئاً يَغيظُ الْكُفَّارَ وَ لا يَنالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلاً إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لا يُضيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنين‏

تا میرسیم به آیه 122 که خواهیم خواند. اما بعدش آیه 123:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لْيَجِدُوا فيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ

اما آیه مورد بحث:

وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (122)

ما فعلا اصلا کاری با بحث خبر واحد نداشته باشیم. میخواهیم این آیه را تفسیر کنیم تا بعد ببینیم این آیه ارتباطی با بحث خبر واحد دارد یا نه.

عده ایی فرموده این دلالتش از آیه نبا بیشتر است تا ببینیم.

در کلمۀ «نفر» سه احتمال است:

1. یکی این که نفر در هر دو جا متعلق به جهاد باشد، بحث کوچ کردن برای جهاد باشد. اصلا ربطی به بحث کوچ کردن برای علم نداشته باشد.
2. نفر در هر دو جا برای تحصیل علم باشد.
3. آن نفر اول جهاد باشد یعنی نباید همه برای جهاد کوچ کنند، ولی نفر دوم متعلق به تحصیل علم باشد.

نکته دیگر این است که این تفقه، لیتفقهوا، به چه معناست؟ آیا تفقه به معنای آگاهی در کلیات دین است و بر حذر ماندن از مخالفت با امر خدا؟ فهمیدن حقایق دینی است؟ آیا معنا این است؟ یا معنای تفقه این فقه اصطلاحی است؟

یک نحو تفقه داریم که می شود بدون درس و مدرسه باشد و در میدان جهاد هم حاصل می شود و یک نحو تفقه داریم که باید با درس و کلاس و مدرسه باشد. در این آیه کدام مراد است.

این احتمالات در آیه

حال تفسیر اول در آیه:

بگوییم آیه قبلش و بعدش همه مربوط است به جهاد و قتال و این آیه را نباید از ساحت قتال کلا کنار زد، بلکه از اول تا آخرش مال قتال است و هیچ ربطی به بحث مدرسه و کتاب و درس خواندن ندارد. قرآن می فرماید لازم نیست همه مردم به جهاد بروند و نفر را به جهاد معنا می کنیم. جایی که مردم زن و بچه دارند و مریض و بیماری دارند که فرموده است این ها نمیخواهند در جهاد شرکت کنند و دشمنان خارجی دارند که منتظر هستند شهر خالی شوند...عقلائی است که همه کسانی که ضرب السیف بلندند به جنگ نروند. نباید این گونه باشد. این قسمت اول آیه. و ما کان المومنون لینفروا کافة این عقلائی نیست. پس چه کنیم؟ از هر شهر و روستایی عده ایی بیایند و این شهر و روستا ها را خالی نکنند. فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة ...لیتفقهوا فی الدین. کی ها تفقه پیدا کنند، همین ها که میروند قتال، تفقه در دین پیدا کنند، تفقه در دین، تفقه در فروع نیست بلکه تفقه در اصل و اساس است. شما جایی دارید که تفقه با جهاد گره خورده باشد؟ بله انفال آیه 65:

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ (64) يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنينَ عَلَى الْقِتالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفاً مِنَ الَّذينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَفْقَهُون‏ (65)

این کفار کسانی هستند که تفقه ندارند. این فقه در سایه جنگ است که محقق می شود. این فقه یعنی باطن امور را دیدن . درک دین با عمق وجودشان.

راغب می گوید علم شاهد برای علم غایب شاهد شد می شود، تفقه یا گفته اند معرفة باطن الاشیاء این می شود تفقه.

چون ظاهر نگر هستند خیال می کنند پیروزی با عده و عده است و این را فقط می فهمد که مگر ممکن است که 100 نفر بر هزار نفر پیروز شود. اما کسی که عمق مطلب را دیده است و خدا در صحنه جنگ دیده است، نه این که فقط شنیده است، امداد ها و یاری های خدا را دیده است این هیچ استبعادی نمی کند که 100 نفر بر هزار نفر پیروز شوند.

این ها رفتند تفقه در دین پیدا کردند، یعنی رفتند تعمق دردین را پیدا کردند. این با درس و بحث نیست، خب حال که پیدا کرد، رفتند چیز هایی را دیدند که این ها که در روستا و شهر هستند این ها را ندیده اند. شما بیایید ان هایی که دیدید و شنید برای انها که ندیده اند و نشنیده اید بگویند شاید این ها با این که نرفته اند از انذار این منذر نتیجه بگیرند.

این جور معنا کردن شاهد روایی هم دارد در وافی ج 1، ص 163:

عن أبي عبد اللَّه ع قال قال أمير المؤمنين ع‏ أ لا أخبركم بالفقيه حق الفقيه‏ من لم يقنط الناس من رحمة اللَّه و لم يؤمنهم من عذاب اللَّه و لم يرخص لهم في معاصي اللَّه و لم يترك القرآن رغبة عنه إلى غيره ألا لا خير في علم ليس فيه تفهم ألا لا خير في قراءة ليس فيها تدبر ألا لا خير في عبادة ليس فيها تفكر.

این احتمال اول.

اگر این احتمال باشد آیه من الاساس و الاصل ربطی به خبر واحد ندارد.

تفسیر دوم؛ بگوییم در هر دو فقره کلمه نفر، به معنای نفر برای علم است، ما می توانیم چند اشکالی بکنیم، ظاهر آیه را ببینید، سیاق آیه را ببینید، نمی توان این آیه را کلا از بحث جهاد خارج دانست. ان ها که می خواهند بمانند پیش که بمانند و تفقه در دین کنند؟ این ها همه برای زمانی است که پیامبر خودش به جنگ نرفته باشد، از کجا دلیل بر این سخن دارید؟ بله یک چیزی در تفسیر طبری هست که بعضی از صحابه می رفتند در قبائل، شهر ها و روستا ها و به مردم درس می دادند، می آمدند از پیامبر یاد می گرفتند و میرفتند آن جا یاد میدادند . بله این هست اما این که بخواهید آیه را در هر دو قسمت به معنای کوچ علمی بگیرید، اولا خلاف سیاق است و ثانیا همین کلمه نفر را در قرآن لحاظ کنید:

توبه 38 و 39:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ما لَكُمْ إِذا قيلَ لَكُمُ انْفِرُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَ رَضيتُمْ بِالْحَياةِ الدُّنْيا مِنَ الْآخِرَةِ فَما مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا فِي الْآخِرَةِ إِلاَّ قَليلٌ (38)إِلاَّ تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذاباً أَليماً وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ وَ لا تَضُرُّوهُ شَيْئاً وَ اللَّهُ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَديرٌ (39)

این احتمال نه با سیاق نه با کلمه نفر و نه با ظاهر سازگاری دارد و علاوه باید بگویید مال زمانی است که پیامبر جنگ نمیرفته است و در مدینه باقی می مانده است.

می آییم سراغ احتمال سوم؛ بگوییم آن نفر اول متعلق به جهاد است و نفر دوم متعلق به تحصیل علم است. نفر یعنی کوچ با مشقت، هم کوچیدن در راه جهاد کوچ پر مشقت است و هم کوچ برای علم پر مشقت است.

معنای آیه این می شود که نمیخواهد بروید جهاد، پس بمانیم در مدینه؟ نه بروید تفقه کنید و تفقهی که کوچ بطلبد مثل کوچ در راه خدا. دو نوع نفر داریم، نفر برای جهاد و نفر برای تحصیل علم. بعضی از محشین این احتمال را داده اند اما اشکال احتمال قبلی بر این هم وارد است. علاوه اینکه تفصیل در نفر در یک آیه دلیل می خواهد.

فتحصل من جمیع ما ذکرناه الی هنا که اگر آیه مربوط به تفقه در ساحت قتال باشد، هیچ ربطی به انذار از راه حجیت خبر واحد ندارد، اگر مربوط به نفر برای تحصیل علم باشد، بله ربطی پیدا می کند.

دو عبارت یکی شیخ انصاری در رسائل ص 279 ج 1:

والحاصل انّ ظهور الآیه فی وجوب التفقه و الانذار مما لا ینکر، فلا محیص عن حمل الآیه علیه و ان لزم مخالفة الظاهر فی سیاق الآیة او بعض الفاظها.

به محضر مبارک شیخ عرض می کنیم تفقه داریم تا تفقه و انذار داریم تا انذار. بله آیه تفقه دارد ولی کدام تفقه را می گوییم، آیه انذار دارد ولی کدام انذار را می گویید. یکی از ان ها مربوط به بحث ما نیست.

یک عبارت هم از مرحوم سید مرتضی دارم ان شاء الله جلسه بعدی.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.